تحلیل روان کاواوته داستان «سیذارتا» اثر هرمان هسه

سیدمطیعی هاشمی
استادیار دانشگاه اصفهان

چکیده
نقد روان‌شناختی از شاخه‌های پیونگ نقد ادبی معناست که خود زیرشاخه‌های متعددی دارد. یکی از آن‌ها نقد از دیدگاه کارل گوستاو پیونگ است. آثار هرمان هسه را می‌توان از دیدگاه روان‌شناختی پیونگ به‌خوبی نقد و تحلیل کرد. زیرا اندیشه‌ها و افکار او در موارد زیادی به پیونگ شبه است. اگر با هم ارتباط مستقیم داشتند هردو به سبک‌ها و نمادها علاقه‌مند بوده آنها را تفسیر و تحلیل می‌کردند. همه نیز مانند پیونگ درون‌گرای شده و به حقایق روانی فرد توجه داشتند و در آثارش جنبه‌های اجتماعی کرده‌بودند. همه و پیونگ علاقه‌مند به عرفان شرق از جمله عرفان هندی‌اند. به‌هیچ‌گونه افکاری در آثار هرمان هسه رواج نیافته و همه را به هم پیوند داده. هرکدام از جهان سبک‌ها در پیونگ می‌کند. به‌سیله با شاید آنها تأثیر مهم‌تری از آنها تأثیر می‌گیرند. اگرچه علاقه‌مند به نگرش آنها ندارند. سبک‌ها از موضوعات مورد علاقه پیونگ و هسن‌ها در آثار پیونگ رواج داشته‌اند. پیونگ از آثار هرمان هسه رواج داشته‌اند. به‌عنوان مثال از اینها می‌توان به ورود به سیاه‌پوشی در آثار هرمان هسه و پیونگ اشاره کرد. به‌طور کلی هرمان هسه از آثار ادبی، هر چه‌گونه آن‌ها از آثار کلاسیک و روان‌شناختی، برخاسته و درون‌گرایانه، شیوه‌ای مناسب برای درک معمای پنهان و تحقیق در لاهه‌های روان‌شناختی و پیونگ است. این تحلیل‌ها مشترکان و حقایق موجود در روان

a_khosravi_f@yahoo.com

**دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان**

تاریخ دریافت: 24/8/15
تاریخ پذیرش: 90/3/22
دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی، جلد 18، شماره 69، شماره 1389 1697، 13173.
کلیدواژه‌ها: سیدارتا، پوینک، کهن‌گو، نماد، خودپایی.

مقدمه
روان‌شناسی به معنای عام در ادبیات از قدیم‌الاوا مورد توجه بوده و موضوع جدیدی نیست. در اوائل قرن چهارم قبل از میلاد ارسلتو در تعریف خود از تراژدی رویکردی روان‌شناسی داشته و تراژدی را به عنوان آمیزه‌ای از حالت ترس و ترحم برای ایجاد بالا بردن می‌دانست و نظریه‌های روان‌شناسی در طول قرن پیوسته با پیروی و پیروانش به وجود آمد.

این نوع نقد که از شاخه‌های پویای نقد ادبی در دهه‌های آخر و از تحقیقات و پژوهش‌های میان‌رده‌ای است، خود دارای زیرشاخه‌های متعددی است که بخش عمده آنها واردات‌های روان‌شناسی و روان شاک و نیازهای مختلف با آرای متفاوت در طول قرن اخیر است. یکی از این شاخه‌ها روان‌کاپی با پسیکالیستیسم است. پسیکالیست روش تحقیق و تحلیل روان‌شناسی آگاه است و آن درباره تمام تجربیات و شناختی، روانی و اجتماعی‌ی می‌توان سرد پردازند. امروزه به روشنی به این اصل مسلم از ذهن داریم که روان‌کاپی کلیدی است که گام‌های برای گشودن رمز‌ها و معنی‌های شیک و ادبی، (جویزان: ۱۳۵۰، ۱۳۵۲) امروزه در آثاری که در برداره نقد و نظریه‌های ادبی تدوین شده‌اند، روان‌کاپی و انتخابات مختلف آن نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد (ر. ک. ایگلدنون، ۱۳۶۸، کلیگر: ۱۳۸۸، شمس: ۱۳۸۸).
كارل گوستاو یونگک روانشناس و روان کاوی معروف نوپیشی و بینانگار نظریه
اروان شناسی تحلیلی شخصیت است. چکیده آموزش نظریه یونگک این است که روان
انسان دارای دو بخش خودآگاه یا هشیار و ناخدآگاه یا ناهشیار است. خودآگاه بخش
بعلت روان است که زندگی روزمره را هدایت می‌کند و شامل ترکیبی از ادراکات
آگاهانه، افکار، حافظه و احساسات است (رک، دارابی، ۱۳۸۷: ۷۸) و ناخدآگاه یکه
قسمت عملی روان را تشکیل می‌دهد فعالیت نیافته و بروز آن به خودآگاه پس‌گامی دارد.
مفهوم موجود در ناخدآگاه می‌دهد و پس‌نویس عملیات خودآگاهی و بدون صورت و شکل
دریافت می‌کند. این مفاهیم فردهی و بخش جمعی و حتی نوعی اندازه‌گیری دون‌دسته‌ای
آی کی تایپ (کهن‌الگو) نامیده است. کهن‌الگوها از مهم‌ترین موضوعات نظریه
یونگکن. یونگک معنوی است محتویات ناخدآگاه یعنی الگوها که خودآگاهی به
آنها صورت نویع گرفته شده او تالف در روان آدمی موجودند و بخشی از ساختن روان
آدمی را تشکیل می‌دهند. به سبب اگزه‌های درونی یا برونی در خود آگاهی بدیدار
چهار... و خود را به خود آگاهی می‌شناسند به‌طور کلی صورت نویع عبارت اند از
همه مظاهر و تجربه نمونه‌وار و واقع روان آدمی. ناخدآگاهی جمعیتی که از مجموع
صور نویع فرآیند آدم‌نهشین هم‌هار تجارب زندگانی بشر از آغاز تاکنون است
(ستاری، ۱۳۶۹: ۴۳۹).
دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۱۸، شماره ۹۹

با توجه با ماهیت مهم آرکی تابی‌های نامود آن‌ها نیز نوآور است. این‌ها به شکل نامد و رزم‌های می‌شوند. مرمر بودن نمادها به یکسانی باشد و سیرتی با میزان ارتباط آن‌ها با ناخود آگاهی دارد. یک‌صد تأثیر ناخد آگاهی به‌سابقه نماد مرمورز و ماهیت‌تر است. بونگ به وحشیت مشترک‌کننده‌ای که وجود آن‌ها از طریق دیده‌های باگانان شده، ترس‌ها، آزروها، کشمش‌ها و

به‌طور کلی مشترک‌کننده‌ای پنهان در ناخود آگاهی جمع‌یا به‌آرکی تابی‌های ما داند. به

این ترتیب، بونگ به عمومیت بخشیدن و عالم‌گیر کردن نماد آن‌ها می‌باشد. این اثر خود آرکی ناخد آگاهی و

عقاب‌شکن قرار گرفته و بر اساس آن‌ها آثاری ادبی با جنبه‌های روایان‌شناسی قوی خلق

کرد هرمان هسه است.

هرمان هسه در سال ۱۸۷۷ در شهر کوچکی که در آلمنیا با به‌عصر وجود نهاد. در نوچوونی و جوانی دچار بهران‌های روایان شد. طوفان هیجان‌ها و نگرانی‌ها بی‌پایان او را به همسرش گست و بحران‌های روایانی او را شدیدتر کرد. برای کسب آرامش روحی شروع به خوانندگی و کتاب‌هایی مفید به کنار، چون روز به روز حالش رو به وخامت می‌رفت. زیر نظر برونگناده در آسایشگاه سنتی شد. این مسائل تأثیر زیبایی در زندگی او گذاشت. پس از بازگشت از آسایشگاه روایانی به سوئیس رفت و خود را سوئیسی خواند. از همین‌دوره شویه تفکری نمک‌یار کرد. تا مدتی راه‌های زیگموند فروید را برجسته‌ترین به تجربه و تحلیل خواب‌ها پرداخت تا این طریق به لیست‌کردن‌ها روی

و روایان پایان دهد. دیوان اثر معظمی در محصول این دوره است. از سال ۱۹۲۰ به بعد

توقف و توجه به شرق مطوف‌های شد و به بی‌فرمان‌داری علاوه‌مانند هدایت تا حکایتی که

معتقدات و تفکرات هنیه شد و کتاب مشهور سپارتا را به رشت‌های تحریم در آورد.

سپارتا که در محافل اروپایی شرکت زیادی به دست آورد داستان تلاقی مذاکات انسان

در راه خودش‌ناتی است. هرمان هسه بی‌پایندی آورد گرا بود. اثر برجسته‌ترین
ولف آگرگت بیبانان است که نویسنده را به دریافت جایزه تویی تسلت گرداند. در این اثر هرمان هسه موفق شد بین دو جنبه نت و روح سازگاری و تعادل ایجاد کند. رسالت هسه به گلگت خودش توجه و علاقو به دوشاره‌ی فردی است که به همکاری و در تمام آثار این تلاش به جستجوی صداهی به بونگک تدنی شد (شهابی: ۱۳۸۵: ۱۷۵). مرگ هسه در سال ۱۹۶۲ در سوئیس اتفاق افتاد.

در سیاست‌های هرمان هسه کهن‌گوهایی مانند رؤیا، تولد دوباره، قهرمان، عبور از رودخانه، آب و دیگر عناصر تأثیرگذار در جویایش تا حال دیده می‌شود. این گوهای در بسیاری از آثار ادبی از گذشته تا حال دیده می‌شوند و تلاش مستمر انسان برای خودپایی و تفرد را به نمایش می‌گذارند. تفرید از موضوعات کلیدی تالیف یونگک است.

البته بعد توجه داشت که فیکرکد روان‌شناسی به تنهایی نمی‌تواند شفقت تنفسی
یک اثر ارزشمند ادبی را کامل‌سازی دارد بحث قرار دهد. از آنجا که هر رویکرد
محدودیتهای خاص خود را دارد. مثل این محدودیت رویکرد سنتی، نابودی گرفتن
نخستین آثار اثر هری است. از سوی دیگر، رویکرد صورت‌گیری از مفاهیم و
زیم‌های تاریخی و اجتماعی که ممکن است راه‌های مهمی در مورد موردی یک
اثر هنری فراهم آورده واقف می‌ماند. در روایت گریزناپذیر در روان‌شناسی
نارسایی‌های یکپارچه‌ای آن است. ولی این رویکرد می‌تواند سرنوشت همیشه مهم برای
کشف راه‌های نامناسب می‌کند (درون‌ماهی‌ای موضوعی) یک اثر هنری ارائه دهد
(گورین و دیگران، ۱۳۷۰: ۱۳۹).)

از آثار هرمان هسه گرگ بیبانان از دیدگاه بونگک تدنی فراهم قرار گرفته است. برای
نمونه کتاب تقدیم و تفسیری بر گرگ بیبانان هسه از جان. د. سایمون ترجمة در چندان
خلاصه داستان

سیدزا تا پرک برهم می‌باشد و یابیدن به آدام و آینه‌ای مده‌های بنده که همسرم دوست خود گویندی را به نیاز باشند و مراقبت به شبیه آنان و راه‌های برای گم کردن خوش را آمخت. در همین انتا آوازه گوتام ما یا بودای درخشان‌که به نیروت و رسیده به گویش ریس و همراه گویندیا برای یافتن گوتام به راه افتاده. گوتام را یافته و مدتی در کنار او بیست. پس از مدتی گویندیا در کنار گوتام مانده و سیزازتای دوباره در اندیشه یافتن خویشتن به سفر ادامه داد. در کنار رودخانه‌ای به مردی کشف (قابیرین) رست و به یاری او رودخانه بی‌عبره کرد. به شهر زیرگری رسید. کمالا بانوی زبانی روستی را دید و با یک نگاه به او دل بست. به دیدار کمالا رفت. کمالا وی را نزد کاما‌سومی بادرگان برگ شهر فرستاد تا او بازرگان بابه و ثروت و دارایی فراهم کند تا یک‌نام به کمالا برسد. سیزازتا سرگرم مهوروزی‌ها، شادکامی‌ها و خوش‌های خود شد. ناهیان خوابی شگفت او را در گرگون کرد. همان شب باغ وشهر و کمالا را ترک کرد و هرگز پازنگشت. کمالا نیز تحت تأثیر سیزازتا به گوتام علاقه‌مند شد و تصمیم گرفت از پیروان او شود.

به همان رودخانه‌ای رست که قبلی از آن عبور کرده بود. چهار خود را در آب دید. تصمیم گرفت خود را در آب غرق کند. ناهیان آوایی از دورترین جای روانش شنید. آوایی یک بود. يعني گبگان کامل یا کاما، همچنان که زیر لقب می‌گفت به خوابی زرف فر رفت. جنون بیدار شد مانند آدامی نو به چهار نگریست. سیزازتای دوباره

P. 1

1 این کلمه درک مقدس هندوست و به عنوان سحر و ورد به کار می‌رود و رمز برهم‌آوری. قیل از مانترا (ورد، دعا) بر تلفظ با شکل تنوشارتی متمایز می‌کنند. (سرائیم، ۱۳۳۸: ۸۵).
یک نماد داستان

ناماد (سمل با رمز) از مهم‌ترین دست‌ماته‌های هرمان همه در آفرینش آثار ادبی است. او یک نویسنده، دو رونگراستان مصنوعی لذت به‌گیرنده خود را در قالب نماد به نمایش می‌گذارد. آشنایی او با یونگوک و علاقمندی او به گرفتن شرق به‌هویزه هند، که سرزمین نماده‌هاست، نیز تأثیر فراوانی بر او گذاشته است. و در سیویاتان تلاقی انسان برای رسیدن به خود‌آگاهی، خودپذیری و تفریق را به گونه‌ای نماده‌ها پیام می‌کند. در کهن ترین آثار ادبی جهان مانند آستروره، گیلگمش پسیاری از نماده‌های کهن اگنوی موجود در داستان سیویاتان هرمان، رویا و گذار از رودخانه، آنیا، پرگی و برد با حیوانات، پر درد و... دیده می‌شود. در آثار حمصی مانند شاهنامه فردوسی نیز این نماده‌ها دیده می‌شود.

کاربرد نماد در آثار همیشه ویژگیی خاصی دارد و آن این است که هرمان همه به دلیل آشنایی با روان‌کاوی و ارتباط با روان‌کاوی ماندرومان فروید و یونگوک و مطالعه آثار
در اینجا شرحی از تاریخچه و تکامل علم و فناوری در ساختار و عملکرد بدن انسان ارائه می‌گردد.

...
خواب و رؤیا

در داستان سیبدارا، رؤیاهایی دیده می‌شود. مهم‌ترین خواب این داستان خوابی است که سیبدارا پس از دلیستن به دنیا و لذت‌های آن دید. پس از آشنا شدن با کاماسوامی و آموختن فنون دادوستاند، سیبدارا می‌تواند شادی، شرب، لذت، مهرورزی با زنان، گرداوری مال و... ایفا کند. این دلیلی وجود نگمه‌های خوابی شگفت او را پدیدار کرده‌اند. کاملاً در لانه زرین کوچکی در خانه خود پرندگان زیبایی نگمه‌خوانی داشت. سیبدارا خواب دیده آن پرندگان گنج شده، وقیتی به نزدیکی شد و دید که پرندگان مرا به دیده. سیبدارا آن را پرورن افکند. خواب هراسی در دل سیبدارا ایجاد کرد، گوییند که از اولین تئیکی در دل داشت بیرون افکند. از خواب پرید و اندهشی شگفت او از جهت شد. تمام روسری را در اندیشه‌های اندهشی فرو رفته و همنام شدند. در نتیجه سیبدارا را تبرک کرد و تاها به سفر رفت. (رک هریه، ۱۷۵:۳۳)。

خواب‌های بر می‌روز و آن را دیگر نیز دیده می‌شود. پس از عبور از جنگل به کنار رودخانه رسیده. خششه و فرسوده در حالی که زیر لب می‌گفت: امّا به خوابی زرف فرو رفت. خوابی زرف بود که در آن خوابی ندید و لی دیده و فرمایش به شد همچون آدمی. به جهان مگریست. نرم و بارشه و روز را به خوابی گفت که بارنه به آن به خواب رفت. خوابی دیگر به دنیای بود. انشای مجنونی به چنین ناشنده است. می‌خواهی خواب و شگفت آوری بود. همگی خواب هیچ خوابی او را چنین تازه یاده می‌نماید. به دنیای یاده بود. (رک هریه، ۱۷۵:۸۰).

در دیگر خوابی است که سیبدارا قبل از آشنا شدن با کاماسوامی در اینجا. پس از اینکه سیبدارا از گونه‌های جدید شد و به رودخانه رسیده، شد به همان روزی که بر کلیه مرد کیلش گوشیده شد به خواب دید که از هم یپسید چرا وی را رها کرده و رفته است. او
گویندیا را در آغوش کشید. ناگهان دید که او دیگر گویندیا نبود بلکه زنی بود یا
سینه‌ای بر از شیر که از آن می‌نوشید (رک همان: ۴۶).
در فرهنگ هندی خواب و رؤیا اهمیت ویژه‌ای دارد. در اوپایشادها این موضوع
قابل بررسی است. در اوپایشادها، مادرها آمده که روان انسان همه جهان است و
وقتی انسان به خواب می‌رود به زرفا درون خود راه می‌یابد و در ظنی، چال
می‌گردد (رک همان: ۱۳۷۵، ۱۰). در آین بودا نیز شمار خواب‌های کهن گویی
فروان است. خواب و رؤیا در هنده مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته و در این مقاله
مجال بازگویی آن آشکار (رک کیا، ۱۳۸۷، ۳۱-۳۶)، ولی به طور کلی "شاید بتوان
گفت در جهان اندازه هندی، برهمایی با بودا، خواب راه ارتباط میان جهان ظاهر
است با آنچه اوپایشاد "عالی فرآوری" می‌خوانند و خواب‌گزاری دانشی است که ناگر این
حکم می‌انجامد" (همان: ۳۴).
زیگموند فروید، نیوی کنار روان کاوی، رؤیا را شاهراها می‌داند که به ناخدگاه
می‌روید. رؤیا از نظر فروید اساساً رضایت نمادین خواسته‌های ناخدگاه است و در
قابلی نمادین ریخته می‌شود (رک ایگلتون؛ ۱۳۸۸: ۲۱۶). فروید نیز به خواب و رؤیا
اهمیت زیادی می‌داد. او نیز معتقد بود "رؤیا... مهم‌ترین ابزار فنی برای
راه‌گشاپی به ناخدگاه است" (فروید؛ ۱۳۷۷، ۳۱-۳۲). در تحلیلی روان کاوهانه می‌توان
گفت رؤیا توسط ناخدگاه روان انسان است و ارتباط تکانگیها با وضعیت روحمی
روایی و میزان دانایی بین‌نداز خواب دارد. ناخدگاه حاوی امیال سرکوب‌شده و مطابق
است که ذهن خود آگاه می‌خواهد و نباید راجع به آنها احیا یابد، در نتیجه،
ناخدگاه در دسترس خود آگاه نیست. باید تفکر مستقل هم نسبی باند. بر عهده
ناخدگاه بپردازد و راه‌های غیرمستقل برای دسترسی به آن وجود دارد که اولین و
شناسه‌های آن را رؤیا است (رک کلیگر، ۱۳۸۸: ۴۹). ناگر این آغر فرد از نظر روایی
آمادگی درک گویندی داشته باشد، رؤیا می‌تواند آن را متلکی کند. به نظر می‌رسد
نمايانی در روزیاها آن‌ها‌یی اند که به‌طور خودآگاهی از ناخود آگاه‌ها ناشی می‌شوند و چیزی کاملاً عجیب و واضحی را نشان می‌دهند که موجب جلب توجه می‌شود... به قدری این روزیاها می‌توانند مؤثر باشند که در حقيقة بدون نیاز به هیچ تعبیری، شخص روزیابین با این روزیا تغییر می‌کند (فوردهام، ۱۳۷۱: ۱۱۱). این روزیاها و آن‌چه در آن دیده می‌شود با روان انسان ارتباط نزدیکی دارد. روزیابینی که آن‌هاگر گم‌کن و تفریق قهرمان شده‌اند، سپررنده. نمادهای نفرد که در انواع روزیا نمايانن می‌شود، تصاویری که‌انگویی‌ها که فرآیند مرکب‌دهنده شخصیت یا ایجاد مکرر جدید برای شخصیت‌‌ری معناش می‌گذارند (بیلسکر، ۱۳۸۴: ۱۱۱).

با توجه به آن‌چه گفته شد در سیدارتی خواب‌های قهرمان در حقيقة بی‌مباری نهفته‌های ناخود آگاه خود او بوده که با راه‌پیمایی به خود آگاه، وی را گرفته کرده و ای در مسیر خودپی‌پی و تفریق قرار داده است. این خواب‌ها محصولاتی غیررایج‌اند که خود را در سمبلی و تصاویر نشان می‌دهند و با نشان دادن یک جنگه از شخصیت کشکش‌های درون را آشکار می‌کند. گاهی آبروی و آرمان‌ها را نمایش می‌دهند؛ گاهی با یک هشدار، موجب گرفتن و تحول قهرمان می‌شوند و گاهی یک یکنده در و در آینده مؤثر واقع می‌شوند. قهرمان همه از خوابه‌ها که هم نمایش و هم بستر نماد است در سیدارتی بهره جسته تا آغاز فرآیند گرفتن قهرمان و قرار گرفتن و را در مسیر تفریق نشان دهد.

قهرمان

یکی از راه‌یاب‌های دیده‌نورین الگویی که قهرمان است. که‌انگویی قهرمان در اساطیر و قصه‌ها به صورت مورد فردی‌ماندی ظاهر می‌شود که برای شکست دادن
نیروهای اهلی‌منی مبناهه می‌کنند. منشا کهن‌الماس‌های قسمتی‌ترین دوران تاریخ یعنی به دوران دستیابی انسان به هشدار برخی‌گذرده. دستیابی به هشدار یکی از برگ‌ترین دستاوردهای انسان‌شناسی بود و تصویر کهن‌الماس‌های قسمتی‌ترین بانگ‌های بوروزی بر نیروهای جهیل و نادانی این کار را داشت (آ.ک. هاف، 1389، 1388). این کهن‌الماس‌ها از اسطوره‌ها تا داستان‌های ادبیات معاصر می‌سیرند با چنین جویای خود ادامه داده است. از این رو به عنوان کهن‌الماس‌های رایج و زنده به آن تغییرتی می‌شود. این کهن‌الماس‌ها هم برای فرد و هم برای جامعه سازند این این به دیدگاه‌های مختلف قابل بررسی است.

در روان کویی یونگک قسمتی است که تلاش می‌کند جهان عالی و دانی وجود خود را بشناسد و جهان‌های داخلی را در کنترل جهان‌های عالی قرار دهد و به تعادل برساند. در این بخش، پیچ در پیچ خود آغاز و ناخودآگاه باید یکدیگر را بشناسند، همسازی شوند، مکمل یکدیگر باشند و به وحدت و تماهمیت برسند. اسطوره قسمتی رایج ترین و شناخته‌شده‌ترین اسطوره‌ها است. این کهن‌الماس‌ها هم برای فرد، که می‌کوشد شخصیت خود را یکشکف و تأیید کند به‌منظور دارد و هم برای جامعه‌ای که نازبه به ثبات هویت جمعی خود دارد. پایه توجه داشت که این قسمتی‌های هر دوره یک روند از تحقیق تحقیقاتی خود آغاز خود فرد و مسئولیت که در لحظه‌ای از زندگی خود با آن روبه‌رو می‌شود انتظار دارد. به بایان دیگر، تحول نمایی قسمتی‌های در هر مرحله از تحولات شخصی استراتی‌پاتی می‌پایه (یونگک، 1378، 1378). در داستان مورد بحث، سیدتا قسمتی روند خویشتن‌شناختی است. از آنجا که نویسنده با نامه‌ها و معناهای زرف نفته در ورای آن‌ها آشنا می‌شود، خود هدف قسمتی را تبیین کرده است. قسمتی در جستجوی خویشتن و پاکی درون خود بود، در بسیاری از گفته‌های کتاب‌های دینی، از همه بتره، در اولین بخش‌های سماواها از همین جای که در زرفای درون است سخت و رسته بود. روان تو همه جهان است... پس سرچشمه پاکی درون در خود ای و بود... پایه سرچشمه را درون خود جست، پاید آن را به چنگآورده...
آزمون آزمون، همراه قهرمان، از راهی طبیعی و دیرینه ترین کهنگ‌ها باید است که در آثار متعدد دیده می‌شود. در آن‌ها تفید و خوشنعتی قهرمان باید آزمون‌های دشواری را بگذراند.

با پیروزی قهرمان در یک مرحله، آزمون بعیدی آغاز می‌شود و تلاش قهرمان تلاشی مستمر و بی‌بیخی خواهد بود. هفت‌خوان‌ها نمونه‌های معروف این آزمون‌ها است.

آزمون‌ها به طور کلی به جشن‌ها و روندان، نبرد با زنان جادگر، غله پرآورده و عبور از سرزمین‌های تاریکی با بی‌بیخی خشک و بی‌آب و علف و باران آن صورت می‌دهند. آزمون‌ها در آن‌ها به منزله شناختن بخشی از روان و توقف در وحدت بخشیدن و متعادل کردن روان است. پایام اصلی و مشترک همه این آزمون‌ها این است که به‌عنوان باید آزمون‌های دشوار را از سر بگذراند. آن‌گونه که از بی‌خردی و نادانی خالی شود و خرده‌ند و دانا از ماجرا برکتهای آید، در مرگ و یارمی بزودی رمزی و تمثیلی در خود بی‌بیخ و چون مردی تازه از خود زاده شوده (مسکوب، 1374: 32).

در این آزمون‌ها فرد با سایه و جنگ‌های منفی روان خود آشنا می‌شود و آن‌ها را به کنترل در می‌آورد. نکته این است که همه این دشواری‌ها برای رسیدن به تمامیت و کمال است که این نقص باید در این دشوار است. افراد
فردیت گاهی به عنوان سیری روان‌شناختی تعیین می‌شود که می‌تواند راهی لغزندگی و
پیچ در بی‌پناه و به نظر می‌رسد که بیشتر اوچات به جرخس در حلقه‌های منتهی
شود... در این سیر شخص می‌پاپند با سایر رویه و شور و بایوزد که با این جنبه
ترسانک و غالباً وحشتک در خود زندگی کند. بدون شناخت اضداد، کمال یا
تمامیت وجود ندارد. این همچنین با آرکی تابع‌های ناخودآگاه جمعی برخورد خواهد
کرد و این خطر وجود دارد که در پیای جذبی خاص آنها از باید درآید. اگر او
(فهرمان) خوش‌شانس باشد در بایان سنجی خواهد یافت که دستیابی به آن بسیار
سخت است؛ یعنی جسم ناسالم، گل زرین، سگک کیما یا هر نامی و شکل دیگری که
برای نماندن آرکی تابع‌های تمامیت (کمال) اخود انتخاب شده است. شخص
نایید مطمئن باشد که به هدف دست خواهد یافت و خطرهای بسیاری در این راه
وجود دارد (فوردهم، ۱۳۷۶:۸۷).

در داستان سیلارتا عبور از جنگل، رو به رو شدن با زن جوان، عبور از آب، قربانی
کردند، هسته‌ساز در آب، آشنا با یک خاصیت و دلیت‌گری به زندگی دیگری، دلیت‌گری به
فرزند و... آزمون‌های نمادین اند که فهرمان پشت سر می‌نهد. گاهی می‌لغزد و گاهی به
میرود ولی دست از تلخ برخوردار نا به کمال می‌رسد و خودش را
یاد نمی‌نماید از این آزمون‌ها به دلیل داشتن اهمیت خاص به‌طور مستقل بررسی
می‌شود.

گذار از آب
یکی از آزمون‌های نمادینی که در داستان سیلارتا به نکران دیده می‌شود آزمون
گذشته‌اند و رودخانه ای است. شکل دیده تر این آزمون نیز در انتقال داستان به صورت
شستشی آینده در آب دیده می‌شود. از نظر یونگ آب مسئول ناخودآگاه است و
تصویر دریا و خود در دیگر مجدد مادر جان است، مگر بازیابی و زمان ییک‌دان است...
در طول سفر نیز چندبار از رودخانه می‌گذرد. آن‌جا که هنوز نواور است، به باری
مرد گیل کش، از آب می‌گذرد و در پایان سفر که به کمال رسیده خود آموخته گنگه گیل را روی آب نگاه دارد و بهنهایی از آب می‌گذرد. گذشته‌نامه از آب نیز
نامیده شده و پرکاربرد است. در شاهنامه نیز به‌سیاری از فرهنگ‌های از آب می‌گذرد.
در اسطوره‌های ایرانی همه فرهنگ‌بان به‌سادگی از آب می‌گذرند و گذار از آب نامیدی
اساسی از حمایت یزدانی قهرمان ایرانی است... در آب انداختن و به سلامت گذشته‌نامه
آب نیز به‌عنوان و سرد در ایران باستان متدال بوده است... قدم‌های معتقد پوندند که آب
گاه‌گاه را نجات نمی‌دهد و یک‌گاه را از بین نمی‌برد. (رستگارفیسی: 1383: ۱۲۵-۱۲۴)
یعنی پردشت از اسطوره‌های ایرانی را می‌توان به آزمون‌های گذار از آب در سایر
اساطیر نیز تعیین داد زیرا جنبه‌هایی که از آب در رود به‌جردی آموزگار است. رود همه‌چیز را می‌دانند. همه‌چیز را می‌توان از آن آموخت. هم‌اکنون
از رود آموزشی که رو به بیان رفت و رفتن فرونشستن و جستجوی زرده‌ها خوب است;
(۱۳۶۷: ۱۴۹ و ۹۱). مرد گیل کش نیز همه‌چیز را از رود آموزت بود.

(اسماعیل یور، ۱۳۸۲: ۱۲۷) قهرمان در آغاد باستان، قبل از اینکه سفر خودبایی را آغاز
کنند، خوشبخت‌تر به آب می‌شود. این شستشو که به‌سادگی دارد در حقيقة هستشونی
روح و روان از آلودگی‌ها و بلیدی‌های می‌شود. این آبین در شاهنامه از فردوسی نیز می‌رود
دیده می‌شود. رستم قهرمان ملی ایران قبل و بعد از سیلار به دوروزها و تن خود
را به آب می‌شود. سیدنار تا زیز در آغاد باستان با انجام این آبین خود را از برخی
آلودگی‌ها پاک کرد و برای آغاز سفر به مقصد کمال آماده می‌شود. پس از دیدن
کامل آب خود را در رودخانه شست و در حقيقة او خود را از آلودگی‌ها پاک کرد.
معنی نمادین آب را می توان در سه منضمن اصلی خلاصه کرده: چشمه حیات، وسیله ترکیبی نفس و مرکز زندگی دوباره. این سه منضمن در قدیمی ترین آثار بشری دیده می شود (رک شوالیه، ۱۳۸۴: ۳). آب چون داوری خود مند است که قهرمان با گذار از آن در آزمونی بزرگ پیروز می شود. نکته این است که سیدارتا در پایان گذاری از آب تاحدود آگاه خود را شناخته و بر آن کنترل یافته و به فردیت و زندگی است. با ماندن در کارآب به حیات و زندگی دوباره دست یافته است. از این رو هر سه منضمن فوق از داستان قابل برداشت است. ندای رودخانه آغاز حیات نازدهای را به این نوید می دهد: شروع ریاست، آرامش و سرآرام خردمندی (شاهزاده، ۱۳۸۵: ۷۷). رود روان است و باز هم آنجا هست.

درخت

یکی دیگر از نمادهایی که به نویعی با روان قهرمان ارتباط دارد اسم درخت است. تصویر مثالی درخت از دریمان نیاینده انسان و زرف ترین خواسته‌های اوست. این تصویر زاینده انتخابی از معانی است. گاهی محور و ستون کهنه است. گاه درخت زندگی یا درخت شناخت نیک از واقع است. گاه درخت مروار و زمانی درخت باز دیوید قدسی است. در برخی نمادها زمان را تعریف می کند و گاهی درخت برگی است

(رک بیکور: ۰۴-۸)

این نماد که در داستان مورد بحث به صورت بیش و جنگل و گاه به شکل درخت ظاهر می شود نمادی روایی و نشانه بالندگی و انکشاف روایی قهرمان است. شما در گونbout می زیستند. گونبختی رهگاه در باغ آتانابندیکا خانه کرده است. هنگامی که او روزمنیا را پذیرا شده بود زیر درخت بو نشسته بود (رک هسن، ۱۳۷۷: ۴۵). سیدارتا اولین بار کاملا را کتاب باز کرده و پی تردهای دید. رودخانه ای که قهرمان را بیدار کرد و به خود آورد در کارآب درخت بود. یک گزار سیدارتا بازون خود را گرد تنه درخت بست
واقعیت و زیر بای خود به پایین به آب سیز خیمه شد که نتید ما گفته‌یم. در جایی دیگر از داستان سیزرا تا سایر ویژه‌های درخت نهاد و خوایید به خوابی زرف فرو رفت. وقتی بهاد شد از دیدن آسان و درختان شغفت زده شد (رک همه، ۱۳۷۳: ۷۱ – ۷۸). تنها درخت نمودار می‌نماید (نفس) و قدرت می‌نماید است. ویژه‌های درخت می‌بخش ناخودآگاهی و ضبط و رفت کمایش موجود آن است. (بی‌کوره، ۱۳۸۸: ۲۸). رودخانه در زیر درخت نارگیل با واژه‌ای که بر لب داشته و را به خود آورد. بوده (به، ۱۳۷۷: ۳۰). توضیح ذم در توصیفات خود بر وجود درخت، باغ جنگل و بیشگ تأکید می‌وزد زیرا در روان کاوی یونگک یکی درخت و گیاههای کهن سال نماد بالندگی و انتشار زندگی روانی است... (یونگک، ۱۳۸۸: ۲۴۹). قهرمانی که از جنگل پایه‌ای می‌گذرد در حقیقت در فرآیند خودپیایی قرار دارد و بخشی از روان خود را کشف می‌کند.

در داستان سیزرا با آزمون درخت نزی اشاره‌ای گذرا شده است. بعد از اینکه سیزرا برای بار اول از رودخانه گفته، قبل از اینکه به کاملاً بهترها، از میان دهگاهی عبور کرد. زن جوانی بر سر راه او قرار گرفت و او به خواهرش تن و جنگ خواهد گرفت و باعث ایجاد جنگ جنگ خواهد در سیزرا شد. در این قسمت داستان آمدیه هرگاه زنان بخواهند مردی را به هرنهندی از مهربانی بخواهند، اداها و حرکاتی خاص در می‌آورند. این فراخوانی را در کتاب‌های یکده البالا رفتن از درخت؛ خواهد دانست. این فراخوانی در حقیقت آزمونی است که در آن فهرمان به وجود نیروی در خود پی باید نیرویی که آن زمان در ناخودآگاه نهفته بوده و از آن پس بهاد شده است. وظیفه قهرمان این است که این نیرو را پیش‌بینی و آن را کنترل کند نه اینکه به اکثر آن بپردازد. از این رو در آزمون درخت نزی قهرمان بخشی از ناخودآگاه
خود را کشف می‌کند. روانشناسان آمده‌اند درخت را به‌عنوان روشی که جایت
ناخودآگاهی آدمی و تعادل و مرحله رشد وی را بزد یا می‌بایستد، به کار می‌برند (بی‌کور،
۱۳۸۸: ۲۸). هرمان همه با توجه به شناختی که از سه‌می‌آدر و معنی رمزی آن‌ها داشته،
یک گونه‌های هستند و بر اساس طریقی مناسب این سهم را در کنار سایر سه‌می‌آدرها بی
کار گرفته و از آن سود چشم‌است.

آینه
آینه (وجود ماده‌هایی) از مهم‌ترین موضوعات نظریه روان‌شناسی تحلیلی شیخ‌وردی
یونگک است که به فنیتی وی به دو صورت سازنده و ویرانگ نمود پیدا می‌کند. آینه
تجمع تمام گراش‌های روایی زنانه در روح مدرست و می‌تواند جنبه مخرب و منفی
یا سازنده و مثبت داشته باشد. به همین دلیل نمادهای زنانه در دو نفیس منفی و با
خوبی شکارهای کامل متارس در استریوه ظاهر شده‌اند و پس از آن به حساسیت و
داستان‌ها راه‌یافته‌اند. وجود زنان نمادین در داستان‌های رسی‌ری از یک سو افرین‌ده,
زاوینده و سازنده و از سوی دیگر ویرانگ، کشنده و مخرب است (ر.ک. موسوی و
حریویه، ۱۳۸۷: ۱۴). یکی از جنبه‌های مثبت آینه این است که «هرگاه ذهن منطقی
مرد از تشخیص کش‌های پنهان ناخودآگاه عاجز شود، به پایی وی بسته تا آن‌ها را
آشکار کند. نقص جایی‌است که ماده‌ای این است که به ذهن امکان می‌دهد تا خود را
با ارزش‌های واقعی درونی همسان کند و راه به زرف ترین بخش‌های وجود برده.» عنصر
ماده‌ای این در بافت ویژه تخم‌نش برات و منابع ما می‌ماند؛ و یکی از دو رونی
یعنی «خود» به عهده دارد (یونگک، ۱۳۸۷: ۲۷۸).

شکل منفی این الگوی که نیز زمانی بروز می‌یابد که سعی دارد قهرمان مرد را از
تکامل و خودشناسی و تفرد باز می‌دارد. یونگک معنی است هر صورت ممکنی فی نفسه نه
نیک است و نه بد، بلکه نیروی افسون کش‌های است که به لحاظ اخلاقی پی اعتناست و
تجزیه رویان کاوانه داستان اسیدارتا؛ اثر هرمن هسه، صص ۱۷۵–۲۰۱، ۱۳۹۲.

تکه‌ها در انتظار مواجهه با خود آگاهی نیک می‌شود یا به هر دو مجمعاً، درک‌هوند، (۱۳۷۲: ۲۱۰).

در داستان سیدارتا هر دو صورت مثبت و منفی آنیا دیده می‌شود. زن جوانی که، پس از عبور از رودخانه بر سر راه سیدارتا قرار می‌گیرد و با حرکتی سعی می‌کند مهر قهرمان را به خود جلب کند، جنایه و پرده‌گر و گل‌ریزه کننده آنیا است. قهرمان آن را می‌شناسد و به کنترل در می‌آورد. «سیدارتا نیز دلالتی و جنگ جنگجویی را در خود بافت...» در آن دم بانگ درون را شنید و آن آوا می‌گفت نیست. ناگهان آن هم به جادوگری خوده بر لبه زن جوان ناهموار شد. سیدارتا دیگر جدایی نمی‌دید مگر نگاه سوزان زمین خواهان راه (به‌همه، ۱۳۷۲: ۴۴). این قسمت داستان شایسته زیادی به ماجراجویی در خواننده و روهای دوست از زن جادو دارد.

پس از گذار از رودخانه و پس از آزمون فوق، قهرمان به آنیا مثبت و سازنده می‌پیوندد و آن کامالا، زن زیبای روستی، است. کامالا نماد آنیا مثبت و سازنده است. قهرمان را با جنایه ناشاکت روان خود آشنا می‌کند. زن زیبای روستی که هدایت کرده است شدی که گویی دارد و در اسطوره با حماسه گلی گمش که ترنی حماسه بشتر، نیز بیده می‌شود. مثبت بودن این که گویی بستگینه سیمگونگی از درخت قهرمان با آن دارد. شش صبح آم هنگامی زن روستی معبد بوده که انکیدو (انسان نیمه خوان) را رام و متمدن کرده. از این روهی روستی بودن زن منافاتی با مثبت بودن خوشبختی که کامالا، زن روستی نماد نهان تا خود‌آگاه، و این زدنه قهرمان است که هرگز در زندگی خود آگاه با آن روهی و نکشیده و گرچه جانشینی پنهان دارد، همواره برای او موضوعی متنوع است (درکه‌ون، ۱۳۷۲: ۴۴). سیدارتا پس از دیدن کامالا دلسته او شد. کامالا زیبای را دوست دارد. یکنیعنی دستور داد جامعه‌ای
سید به او بدهند (رک هم، 1377: 45). (جامه سید می‌توانند نماد یاکی با خودیتند و آگاهی باشد.) کمالانلو و را نزد کاماسوامی بزرگ‌گان بزرگ‌گان شریعت مسئولیت نیز باگما در ارتباط با مناسبی بود. کمالان‌مو در حقیقت فهمتنی را به آزمونی دشوار روته کرده بود. کمالان قابل تأمل شرایط نام کمالان و کاماسوامی است. این شرایط می‌توانند خصوصی دو شخصیت در بانگلادش و پالوجی روح سیاسی باشد. سال‌ها مبین شد. کمال‌مو شادکامی، سوداگری، آزمونی و گناه سیاسی را به دام انداخت. او دیگر در دل شنن نیود. هر روز پرتره می‌شود در حالی که به خواهش‌های تن و شرایت و گردن آوردن نبوده، ناگهان خواهش‌گشته یا رسیدگی کرد. کمالان نیز تحت تأثیر سیاسی‌ها به گوناگون علاقه‌مندی‌ها و تصمیم گرفت از پیروان او شود در حالی که باردار سیاواکی کچک بود. کمالان موج می‌شده بود سیاسی است و چنین منفی درون داشته‌اند، این به دلیل در نهایت شرایط مهمی دارد، زیرا برازی آگاهی که از انسان‌ها قسمت خود آگاهنش نمی‌تواند راه صورت یابد و به هر صورت بهترین راه نیست، یک راه بسیار رضایت‌بخش را این است که به چنین اجازه‌های متعادلی، انسان را به عنوان یک کل در نظر بگیریم. آنچه ضروری است این است که به آزموری گیسکنطی مهالکی که خود عالی و دانی انسان وجود دارد، دستور قطع کند. در عرضی که می‌باشد انسان خود با یا انسان بپذیر و متحفه کنم (سیراتون، 1386: 95)، زیرا هر گزینه نه‌گونگار گواه‌گوی یا یک صفح نیست، بودو در ناساند و دزد به‌سمت و دزد در برهنگ نیست (د. 1377: 127). بزرگ‌گان خصمه کمالان به سیاسی‌ها این پیوند که جنبه‌ی منفی سربازی‌ها و دنیای ونود و راهی از این طبقات و سرآیندیافته را او یا وادار به آنکه ما کرد. آنکه نه در زمینه‌ی سیاسی‌ها با کمالان و روابط جسمی آن‌ها خوش‌باشی صرف و دزد جویی نیست بلکه رمز آشکی اضداد
است. این جنبست در هند نوعی مذهب شده است، حال آنکه در غرب خفت و خیز جنسی، خوش باشی و لذت جویی صرف است. هند آمیزش جنسی را تنها رابطه شخصی میان دو فرد: زن و مرد، نمی داند، بلکه آن را آشیه هم اضداد که در غرب از هم جدا مانده و دور افتادهند نیز می بیند. به بیانی دیگر، هند جنبه معنوی و معنای مبنی آمیزش جنسی را باور دارد و یونک نیز بر این باور است و همین اعتقاد سرانجام موجب جداوی از فروید شده (ستاری، ۱۳۸۹: ۹۰۴). از این رو، آمیزش سیدارتباکامالا که بخشی از ناخود آگاهی خود ایستاده و وحدتی ایست که بین اضداد خود آگاه و ناخود آگاه به وجود آمده است، چنانچه پس از یک رابطه جسمی با کامالا سیدارتباکامالا، سیدارتباکامالا درگون می شود و از غفلت های گذشته دست بر می دارد. قهرمان پس از درک آنیا مبت و منفی به سفر نهایی خود ادامه می دهد در نهایت به تفریق می رسد. در اندیشه داستان نیز زنی که به سیدارتباکامالا گورندا خوراک داد و محل زنده گوتناما را به آنها آموخت، نماد آمیزش مبت و سازندگی ایست که چون در اولین مراحل فرآیند خود باینی ظاهر شده نفیش از کامالا کمتر نگریست. پرنه، یکی دیگر از نمادهای قابل تأمل نماد پرنه است. وقتی سیدارتباکامالا در دیشب و تعلقات آن شده بود، خواب دید پرنه گرچه کامالا مرده است، کوچک خود رمژگاشی کرده است: آن پرنه نگمه مرا در گذشت بود. مرگ آن پرنه که سیدارتباکامالا خوابش را دیده بود پرنه درون دل خود او بوده (بهره، ۱۳۸۷: ۲۸). وقتی متحرک شد و به خود بازگشت با خود گفت: پرنه درون من نمره ای است... باز هم آواز پرنه درون را شنیدی و دنبال آن آمدی (بهره، ۱۳۸۷: ۶۵). هنگامی که سیدارتباکامالا به خود آمد و از
شهر، کمالآ، ثروت و داوودند، دل کند و به سفر تنها ادامه داد و دیگر برگشت، کمالآ فقیرش را باز کرد و پرندی را که نام بخش ملکوتی روان سیاًرتا به آزاد کرد.

پرندگی به عنوان نام عالم ملکوتی در مقابل عالم خاکی ملحوظ می‌شد. حتی به طور جامع تر، پرندگی نام مراحل معنوی، نام فرشتگان و نام مرحله برتر وجود هستند؛ (شوالیه، ۱۳۸۴: ۱۹۷). سیاًرتا با رهاشدن از حیات مادی و خاکی به حیات روحانی و برتر و ملکوتی خود جان دوباره بخشید و در داستان، این حیات در وجود پرندگی نمادین شده است. این نماد داستان در طولی و بزرگترانه مسئولیتی در حال می‌آورد. در مشابهی نیز پرندگی رمز جان است و بخش اصلی و رمزآ‌لود داستان در هنر رخ می‌دهد.

پر خرد

در طول سفر و حتی قبل از سفر، قهرمان راهنماهای و آموزگاری داشت که او را در سفر خودپیایی پاری می‌کردند. نمونه بتر آنها گوتاما بود. بیرترین شیمیای ممکن بیر خرد است و لیگ با خواهان بیر خرد داستان را انتخاب کنیم، پیرمرد گیل کش انتخاب مناسبی خواهد بود. گیل کش که نویسنده در خاطی ای را دانسته گیل کش سیاًرتا برتین راهنماهای است. پر خرد که نگویی رابطی است که در برابر پر مکار قرار دارد. صورت مثلاً "پر" و رابطه‌ای که با ذهن و روان دارد در اندیشه‌های عرفانی نیز فراوان دیده می‌شود. "پر" کانونی است که همه اندیشه‌ها و تئوره‌ها روانی پیر را به سوی خود در می‌کشد. پیر با چرگی شگرفی که درل و درون پیرو عاطفه او به باز می‌شناسند، نواهایی به هنفته ای را برای انگیزه و چشم‌های جوی اندیش را می‌خورند. او بیدینی به سر و زهاد پیر را می‌برد، با آموزه‌ها و رفتارهایی سنجیده برفی جذب گردیده یا از افزاواد و... جان پر هم‌جویی آن ایست که پرتوهای سناخت و آگاهی را از جهان و نهان پیرو می‌تاباند، (کرزاژی، ۱۳۸۰: ۲۰۳). پونگک معنی‌دار است "خود" به شکل نمادین به صورت پر خردمند، نگهبان.
آموزش دهندگی اسرار و همه نیز به صورت هایی مثل پیر کیتار زن، اسب سوار جوان و... ظاهر می‌شود. در داستان سیتار اکر، قنده‌به بشک پیرسوم دیگر کش گرم کرده است. او خرد پاک و منزه و از آن لودی چون رها شده و به کمال رسیده است. او پدر داستان است و پدر راهنمای و فرستنده نجات و در دوان شناسی یونگ نام دارد و فنکر است (رک اسماعیلی‌پور، 1382: 47). در گیل گیل پیر خردی به نام اوتاهیشته وجود دارد. وجود این پیر که‌تگی و قدمت این صورت هایی را نشان می‌دهد. در اسطوره‌های یونانی قلمون پیر خرد است که به پیژشتهای گردان از خداان کاوه آنان شده. در نمایش نیز زال نمای پیر خرد است. در شاهنامه زال هم پدر حسیم است و هم پیر رازیان. این می‌تواند نمونه‌هایی کاملی باشد که به مرحله پدران – پیر رسیده است. او از یک صو پر گفتارین و پیرترین رایزن و راهنما شاهنامه است و از سری دیگر پدر رستم قهرمان حماسه ملی است و این دو ویژگی به معناي خرمندی و دانائی است (رک اکرمی و خسروی، 1399: 19). قهرمان هنگامی با شناخت این صورت مثالی مرد گیل که را نمایان قرار داده است. خویشکاری او تا زمانی که قهرمان به مقصد نرسیده ادامه داشت، وی هنگامی که قهرمان به مقصد رسیده و به تعقیل و تماشای دست یافت او نیز ناپدید شد زیرا رسالت وی به پایان رسیده بود و این در حالی بود که سیتارا خود گیل کشی دانشمند شده با پیر خرد خود کنگره گشته بود.

سفر و سفر تنهایی

از دیگر مفاهیم کهن، کوپیه داستان می‌توان به سفر و سفر تنهایی قهرمان اشاره کرد.

پس از اینکه سیتارا در شهر خود از پیرهمان آموزه‌هایی لازم را به دست آورد و شایستگی او برای رسیدن به کمال آشکار گردید، با دیدن شمان سفر خود را آغاز
کرد. این سفر نمادین آغاز تلاش قهرمان برای خوشیشینی ایست. تا نیمّه‌ی راه گوینده همره وی ایست، ولی پس از آن یاد به بهانه‌ی راه خوشیش ادامه دهد و از موانع بگذرد. سفر از نماده‌های عالی است. این نمادها محتوای ناخودآگاه را فرا می‌کنند تا از آنجا به خود آگاه راه یابند و فعلاً شوند. بکی از راه‌پیمایان ها سفر نتهایی! با زیارت است که به نوعی سفر زیارت روحانی شاهد دارد که نوازش در خلّال آن به کشف طبیعت مرگ نائل می‌شود. اگر در این سفره‌ها قهرمان از نظر درونی از ارزش‌ها فراتر نرود و فقط به کشف شیوه‌های نازهی زندگی بنده را قبلاً نخواهد داشت. از سیستم به آزادی و رهایی را در پایان این سفره‌ها لازم می‌داند. (ک. بروگنک، ۱۳۷۸، ۲۲۲). اینکه سفر نتهایی پس از پیش است نهاد آزمون هایی آغاز می‌شود به این دلیل است که فرآیند تفرّد زمانی آغاز می‌شود که فرد حاکی از آگاهی و شناخت را به دست آورده باشد. فرآیند تفرّد فرآیند است که در طول زنده‌گی شخصی به تدریج تکامل می‌یابد و به‌طور قابل توجهی این تکامل بیشتر در نیمه‌ی دوم زنده‌گی روی می‌دهد. فردی معمولاً هدف یا اهدآ‌الی برای یک جوان نیست بلهکه بیشتر مطلوب برای شخص رشدی‌تفرّد است و tường این موضوع در میان مردم می‌باشد. نادر نیست، آهنی‌ای که در مسیر زنده‌گی خود موفق بودند و به‌طور ماگی‌کانی با بک احساس خلا و فقدان معنی در زنده‌گی بیدار می‌شوند، (فوردهام، ۱۳۷۴: ۸۶ - ۸۷). و وجود این خلا در داستان سیسترنا به صراحت دیده می‌شود. ایشان دنبال یافتن خوشیشینی بود و از این نظر احساس خلا می‌کرد. سفر نتهایی ای آغاز تلاش وی برای برکناره‌ای این خلا است.

نتیجه‌گیری

داستان سیسترنا یانگر کشمکش‌های درونی انسان و تحدی‌پردازی‌های منفی و منفی درون او و رنج انسان برای به کنترل در ارور درنیروهای منفی و رسیدن به خود واقعی و تفرّد
احساس و پیوستگی نمادها نیز قابل تأمل است. در داستان های رمزی نمادها به شکلی منسجم و به هم پیوسته هدفی و این اثر دنبال می‌آید و همین هدف که ریشه در روان انسان و میل فطری او به کمال و تعالی دارد، احساس‌بخش آثار رمزی است. انسان نوعی در طول تاریخ زندگی خود فرهمندی نوعی است که در تلاشی مستمر و دائمی برای دست‌یابی به حیاتی بتر و معنی‌دارتر می‌کوشد. این دریافت به‌طور افزش‌آمیز و برتر از سایر آفرینده‌ها دارد، همواره در صدد پایان آن است. فرهمان با یک‌آزمون‌های دشواری را بیشتر سر نهاد. به اینکه دیگر به خود راه‌های دهد به تلاش خود ادامه دهد. نا این‌طوره‌ها و این‌طوره‌هایی نمی‌توانند دوست‌یابد. انسان موجود و دو عنا از کتاب هم وجود دارد. آدمی برای رسدیدن به تمامیت و کمال ناگزیر باید آن‌ها را پیش‌بینی و جنبه‌هایی منفی و مخرب را کنترل کنند. سیاست‌های فرهمان این ورود به صورت هم‌پیوسته و هم‌ارایی می‌آورد. زیرا، از در عرض روزی بگردن از آن‌چه منفی است نیست، بلکه تجربه‌های کردن و ادامات آن به کامل ترین
نحو ممکن است. زیرا خودشناسی فراپنده است که به ساخت و ساز با بیگانه با غیری‌که در وجود ماست رهنمون است، (ستاری، ۱۳۸۶: ۵۹۵). گرچه این راه لقن و دشوار
است و سیزاتارا گاهی می‌لزد و می‌افتد، در نهایت پرورش‌می‌اند از سفر بازمی‌گردند و در
کنار رودخانه‌که تمامی جفتن زندگی دوباره است خود را می‌پایید و خویشتن را پیدا
می‌کنید. خویشتنی که چون رود هر لحظه روان است، در حالی که همیشه هست و
نوبتی می‌میلدد می‌گردد و هرمان‌ه به شناخت سیاه‌های موجود در فرهنگ هنده‌ی آگاهانه از آن‌ها برای بی‌تین این معنا بازی جسته است. آن‌چه نویسنده سیزاتارا به تصویر
کشیده‌داستان درفریپنده است که هنوز کهنه نشده و همچنان زندگی و پیوسته، زیرا
مشترکات روایی و قطعی نوع انسان را در مسیر تفریق و خودیابی به تصویر کشیده و این
معنای مشترکی است که اسطوره، حمامه، عفران و بخی رمان‌های معاصر را به هم
پیوند می‌دهد.

منابع
آقایی‌نیا، حسین و اشرف خسروی (۱۳۸۹) نماد و جاگاه آن در بلاغت فارسی، مجله
بوستان ادبیات. دورة دوم. شماره دوم: ۱-۲۰.
اسماعیل پور، ابولقاسم (۱۳۸۲) زیرآسمان‌های نور. تهران: افکار.
ایگلتو، تری (۱۳۷۸) پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی. ترجمه عباس مخبر. تهران: مرکز
بوکور، مونیک دو (۱۳۷۸) زندگی و زبان. ترجمه جلال ستاری. چاپ سوم. تهران: مرکز
پیلسک، ژویارد (۱۳۷۴) ژویارد. ترجمه حسین پایینده. تهران: طرح نو.
پورنامداران، نقی (۱۳۷۸) رمز و داستان‌های رمزی در ادبیات فارسی. چاپ سوم. تهران: علمی
و فرهنگی.
جویز، ارمن و دلیلی یزدی (۱۳۵۰) اصول روان‌کاوی. ترجمه هاشم رضی. چاپ سوم. تهران:
آسیا.
تلخیل روان کاوانه داستان اسیدات اثر هرمان هسه، صص ۱۷۵-۲۰۲، ۲۰۱۱

دارابی، جعفر (۱۳۸۴). "نظریه‌های روانشناسی شخصیت (روپیکرد ماقبی‌هایی)." تهران: آیز.

فشروده‌ها، فریدا (۱۳۸۴). "مقدمه‌ای بر روانشناسی بین‌گی. ترجمه هسین عقیقبور. تهران: اوجا.


تهران: اطلالات.

مسکوب، شاهرخ (۱۳۷۹). "نهان در هرج و روان خردمند. (مجموعه مقالات)." تهران: طرح نو.

موسوی، سیدکاظم و اشرف خسروی (۱۳۷۸). "آبنم و راز اسارت خواهران همسر در شاһنامه فردوسی. بروه‌ش زنان دانشگاه تهران. دورة ۳، شماره ۲۱۵۳-۱۳۳۶.

[Downloaded from jpl1.khu.ac.ir on 2022-01-02]
موسوی، سید کاظم و اشرف خسروی (۱۳۸۷) دیوان خرد و اسطوره در داستان زال، بنیاد علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۸۸، ۱۳۸۵، همه‌گزاری، ترجمه: دکتر حبیب‌اللهی، تهران: اساطیر، ۱۳۷۵.
پویش، کارل گوستاو (۱۳۸۸) انسان و سیستم هایش، ترجمه: محمد سلطانی، تهران: شش‌شماره، ۱۳۷۹.
پویش، کارل گوستاو (۱۳۷۹) تحلیل زیستی، ترجمه: رضا رضایی، تهران: افکار.
پویش، کارل گوستاو (۱۳۷۲) جهان نگری، ترجمه: جلال سلیمی، تهران: افکار.